



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزء اول قرآن کریم، سوره حمد و نیز آیات اول تا ۱۴۱ سوره بقره را در خود جای داده است.

## :: جزء اول ::

### سوره حمد

#### سوره حمد برترین سوره قرآن

رسول اکرم ﷺ به جابر بن عبدالله انصاری فرمود:

«يَا جَابِرُ أَلَا أَعْلِمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ؟: ای جابر! دوست داری

برترین سوره ای را که خدا در کتابش نازل کرده است به تو یاد دهم؟»

جابر در پاسخ عرض کرد:

«بَلَى يَا أَبَتِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمْتَنِيهَا: بله یا رسول الله! پدر و مادرم فدایت باد!

آن را به من یاد دهید.»

«فَعَلَّمَهُ الْحَمْدُ أَمْ الْكِتَابِ: پس رسول خدا ﷺ سوره حمد را که ام الكتاب است به

او آموخت.»

سپس به او فرمود:

«يَا جَابِرُ أَلَا أُخْبِرُكَ عَنْهَا: جابر! می خواهی درباره آن برای تو سخن بگویم؟»

جابر پاسخ مثبت داد و حضرت چنین فرمود:

«هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ وَ السَّامُ الْمَوْتُ: این سوره شفای هر درد و بیماری

است جز مرگ.»

## نام‌های این سوره

مفسر بزرگ قرآن، مرحوم طبرسی، ده اسم برای این سوره نام می‌برد به این ترتیب: فاتحة الكتاب، الحمد، أم الكتاب، السبع المثانی، الوافیة، الکافیة، الأساس، الشفاء و الصلاة.<sup>۱</sup>

## معارفی از این سوره

ما در آیات نخستین سوره حمد، خداوند را مورد ستایش قرار می‌دهیم و در اوج این سوره به خداوند عرض می‌کنیم: «**أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**»؛ یعنی ما را به راه درست و مسیر صحیح زندگی، راهنمایی کن.

این راهی که ما طلب می‌کنیم، راه بندگان خاص خداست؛ یعنی انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان، همان‌ها که به شهادت آیه ۶۹ سوره نساء<sup>۲</sup>، مشمول نعمت الهی قرار گرفتند و این راه، راه کسانی که مورد خشم خدا قرار گرفتند و نیز راه گمراهان نیست (**غَيْرَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ**).

بنابراین در این سوره، سه راه و سه رسم زندگی بیان شده است:

۱. راهی که انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان در آن گام نهادند و این همان راهی است که اهل بیت علیهم‌السلام به شایستگی آن را طی کردند و ما را به حرکت در آن فراخواندند.

۲. راه و روشی که گرفتاران به خشم الهی در پیش گرفتند.

۳. راهی که گمراهان پیمودند.

ما در این سوره از خداوند می‌خواهیم راه درست زندگی کردن را به ما بیاموزد؛ درخواستی که بی پاسخ نمی‌ماند و در آیات دیگر اجابت می‌شود؛ آیات فراوانی که به ما روش درست زیستن را می‌آموزند.

برای همین در هر رکعت بعد از سوره حمد، سوره‌ای دیگر از قرآن را قرائت می‌کنیم تا ابتدا درخواست هدایت باشد و بعد دریافت آن؛ درخواست درست زیستن در سوره حمد و فراگیری چگونه زیستن در سوره‌ای دیگر. برای همین نکته است که سوره حمد را «الاساس»؛ یعنی مقدمه و پایه قرآن نامیده‌اند.

## سوره بقره

### درباره سوره بقره

این سوره، طولانی‌ترین سوره قرآن کریم با ۲۸۶ آیه است که ۱۴۱ آیه نخست آن در جزء اول قرار

۱. همان، ص ۸۷.

۲. الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ؛ پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان کسانی‌اند که خداوند به آنان نعمت داده است.

دارد. این سوره در مدینه و در فضای تقابل بین ادیان آسمانی با یکدیگر، نازل شده است؛ برای همین بیشتر آیات آن به گفتگو میان اسلام و سایر ادیان به ویژه آیین یهود اختصاص دارد.

### پیام اصلی سوره بقره

پیام اصلی این سوره، اهمیت تسلیم در برابر خداست. امیرمؤمنان علی ع در مورد تسلیم شدن در برابر خداوند می‌فرماید:

«لَا تُسَبِّحَنَّ الْيَوْمَ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يُسَبِّهْ أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يُنْسَبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي إِلَّا يَمْتَلِ ذَلِكَ: اسلام را به گونه‌ای وصف خواهم کرد، که هیچ کس پیش از من چنان وصف نکرده است و هیچ کس پس از من نیز چنان وصف نخواهد کرد.»  
 آنگاه فرمودند:

«الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ: اسلام تسلیم است.»<sup>۱</sup>

آن حضرت در روایتی دیگر فرمودند:

«الْإِيمَانُ هُوَ التَّسْلِيمُ: حقیقت ایمان تسلیم شدن است.»<sup>۲</sup>

### ایمان و تسلیم در سوره بقره

ایمان، باور به خدا متعال و اسلام، تسلیم بودن انسان در برابر اوست. کسی که در برابر خدا تسلیم نباشد و در برابر فرمان‌های او و پیامبرانش پذیرش و عمل نداشته باشد؛ مسلمان نیست. مسلمان کسی است که در برابر تمام دستورات دین، گردن نهد و تسلیم فرامین خداوند باشد. مؤمن واقعی کسی است که به همه پیامبران الهی از آدم ع تا رسول خاتم ص ایمان بیاورد. بنابراین سوره بقره، سوره اسلام است.

در ابتدای این سوره می‌خوانیم:

«وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ: و آنان

که به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو [بر پیامبران پیشین] نازل گردیده است، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند.» (بقره/۴)

سخن از تسلیم و ایمان به تمام کتب آسمانی در میانه‌های این سوره نیز آمده است:

«قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ

الْأَنْبِيَاءِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۲؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۰۹.

۲. عيون الحكم والمواعظ، ص ۵۸.

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ: بگوئید: ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید و [همچنین] آنچه به موسی و عیسی و پیامبران [دیگر] از طرف پروردگار داده شده است ایمان آورده ایم و میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.» (بقره/۱۳۶)

در بخش پایانی این سوره (آیه ۲۸۵) نیز بر ایمان به تمامی پیامبران الهی و کتب آسمانی تأکید شده است:

«أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ: پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. همه مؤمنان [نیز] به خدا و فرشتگان او و کتاب ها و فرستادگانش، ایمان آورده اند [و می گویند]: ما میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم و به همه ایمان داریم.»

### معارفی از آغاز تا آیه ۱۴۱ سوره بقره (پایان جزء اول)

این بخش دارای دو محور اصلی است که هر یک به زیرشاخه هایی تقسیم می شوند:

#### محور اول: دعوت عموم مردم به پذیرش باورهای الهی (آیات ۱-۳۹)

در آیات نخست این سوره خداوند مردم را به سه دسته مؤمن، کافر و منافق تقسیم می کند: پنج آیه اول درباره مؤمنان و انسان های با تقوا سخن می گوید و در آیات ۶ و ۷ سخن از کفار است و آیات ۸ تا ۲۰ هم به منافقین می پردازد و حال امروز آنها را در قالب مثال هایی به تصویر می کشد. درباره نفاق روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام وجود دارد. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كَتَبَتْ لَهُ بَرَاءَةٌ تَنْبَرُّهُ مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ التِّفَاقِ: هر کس خدای عز و جل را بسیار یاد کند خداوند او را دوست خواهد داشت و هر کس چنین کند برای او نامه رهایی نوشته شود، یکی رهایی از آتش جهنم و دیگری رهایی از نفاق و دورویی.»

آیه ۲۱ عموم مردم به سوی خدا دعوت می کند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای مردم! پروردگارتان که شما و پیشینیان شما را آفریده است را بپرستید تا با

پرستش او با تقوا شوید.

و این نشان می‌دهد که عبادت، موجب رسیدن به مقام تقواست و این خاصیت تمام عبادت‌هاست؛ خواه نماز باشد خواه روزه یا هر عبادتی که به شکل واجب یا مستحب مأمور به انجام آن هستیم. دیگر اینکه دلیل بندگی خدا این است که حیات مادی و معنوی ما به او وابسته است. برای همین در آیه ۲۹ همین سوره فرمود:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ

سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ: اوست که همه آنچه را که در زمین است برای شما

آفرید، سپس به آفرینش پرداخت و آن را به شکل هفت آسمان پدید آورد و او به همه

چیزدانا است.»

آنگاه که سخن وارد موضوع خلقت آسمان‌ها و زمین و در اختیار انسان بودن آنها می‌شود در آیات ۳۱ تا ۳۹ به داستان خلقت آدم و ارزش معنوی انسان که همان علم اوست می‌پردازد.

**محور دوم: گفتگوهایی بین اسلام و دیگر ادیان به ویژه یهود (آیات ۴۰-۱۴۱)**

آیات ۴۰ تا آخرین جزء، به گفتگوهایی که میان پیامبر اکرم ﷺ و یهودیان در گرفته است اشاره کرده؛ نمونه‌هایی از حق ستیزی آنها را بیان می‌کند و نیز به ریشه‌یابی کفر ایشان می‌پردازد. در آیات پایانی این جزء، بخش‌هایی از زندگی حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را بازگو می‌کند تا معرفی الگوی عملی باشد برای آن دعوت‌هایی که تا کنون برای سوق دادن مردم به خصوص اهل کتاب به سوی اسلام انجام داده است.

**نمونه‌هایی از حق ستیزی قوم یهود (آیات ۹۴-۴۷)**

در این بخش، خداوند متعال به نمونه‌هایی از حق ستیزی قوم یهود اشاره می‌کند که شامل گوساله پرستی، عافیت طلبی و خودداری از اجرای فرامین حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام است.

**ریشه‌یابی کفر یهودیان و عدم ایمان آنها و پاسخ به بهانه‌های آنان (آیات ۵۷-۱۴۱)**

در بخش دوم خداوند سبحان، علت کفر یهودیان را برای ما بازگو کرده و ایمان نیاوردن یهودیان به اسلام را ریشه‌یابی می‌کند.

یکی از بهانه‌هایی که یهودیان برای فرار از پذیرش اسلام می‌تراشیدند این بود که به خیال خویش، خود را از عذاب الهی ایمن می‌دانستند و معتقد بودند که اگر هم به آتش جهنم افکنده شوند مدت کمی در آنجا خواهند بود و به سرعت از آن خارج خواهند شد: «وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً:

و گفتند: آتش دوزخ فقط چند روزی به ما می‌رسد.» (بقره/۸۰)

ولی قرآن کریم، صاحبان چنین پندار باطلی را زیانکار معرفی کرده و در آیه ۹۹ سوره اعراف، درباره چنین افرادی که خود را ایمن از عذاب و مکر الهی می‌پندارند می‌فرماید: «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»: آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر [و مجازات] خدا ایمن نمی‌دانند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«لَا تَسْتَصْغِرُوا عُقُوبَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ مِنَ الْمُسْرِفِينَ مَنْ لَا تَلَحُّقَهُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بَعْدَ

عَذَابٍ ثَلَاثِمِائَةِ أَلْفِ سَنَةٍ: عقوبت الهی را کوچک نشمارید؛ زیرا بعضی از اسرافکاران اند

که شفاعت ما به ایشان نمی‌رسد؛ مگر بعد از سیصد هزار سال عذاب الهی.»<sup>۱</sup>

کوچک شمردن تهدیدها و عذاب الهی باعث می‌شود که انسان نه تنها از کردار زشت خود پشیمان نشود؛ بلکه نسبت به انجام گناه، گستاخ‌تر شده و با جرأت بیشتری آن را مرتکب شود.

یکی دیگر از بهانه‌های یهود، تعصبات قومی و قبیله‌ای آنان بود. همان‌طور که در آیه ۹۱ این سوره آمده است آنان می‌گفتند: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله از قوم و قبیله ما بود او را می‌پذیرفتیم و به او ایمان می‌آوردیم؛ ولی چون او از یهودیان نیست به او و آیینش ایمان نخواهیم آورد:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ

وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: و

هنگامی که به آنها گفته می‌شود: به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!

می‌گویند: ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده باشد. و به غیر آن

(قرآن)، کافر می‌شوند در حالی که [قرآن] حق است و آیاتی را که بر آنها نازل شده،

تصدیق می‌کند. بگو: اگر [راست می‌گویید و به آیاتی که بر خودتان نازل شده] ایمان

دارید؛ پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رساندید؟!»

این طرز فکر یهودیان فکر باطلی بود که امروز نیز در میان برخی مدعیان روشنفکری به چشم می‌خورد همان‌ها که افراط در ملی‌گرایی سبب شده از پذیرش اسلام خودداری کنند و به صراحت بگویند: به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان نمی‌آوریم؛ زیرا او پیامبر عرب‌ها بود و ما ایرانی هستیم. غافل از اینکه روشنفکری، شکستن تعصبات کوراست و تلاش برای رسیدن به نور حقیقت بودن است. روشنفکر کسی است که در جستجوی حقیقت است؛ خواه در سخنان پیامبری از عرب؛ خواه در کتابی از پیامبران غیر عرب؛ مانند موسی و عیسی علیهما السلام و خواه در دیگری. برای همین است که در

۱. معانی الأخبار، ص ۲۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۵۴.

آیین اسلام، انسان باید به دنبال حقیقت و راستی باشد و تعصبات قومی و قبیله‌ای را کنار بگذارد. بهانه‌ی دیگر یهودیان برای نپذیرفتن اسلام، راحت طلبی این قوم بهانه‌جو و لجوج بود. آنان به دنبال مطالب آسان و راحت می‌گشتند به همین خاطر به پیامبر ﷺ گفتند:

نام فرشته‌ای که بر تو وحی نازل می‌کند چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل. آنها گفتند: دستوراتی را که جبرئیل در طول تاریخ، حامل آنها بوده دستورات سختی؛ مانند جنگ و جهاد است؛ ولی دستوراتی که میکائیل پیام‌آور آن بوده همیشه دستورات ساده و راحتی بوده است. برای همین اگر فرشته‌ی وحی تو، میکائیل بود ما به تو ایمان می‌آوردیم و این یعنی چون با فرشته‌ی وحی تو (جبرئیل) دشمن هستیم از ایمان آوردن به تو معذوریم.<sup>۱</sup>

پاسخی که خداوند متعال می‌دهد این است:

«قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد [در حقیقت دشمن

خداست]؛ چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که

کتاب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و هدایت و بشارت است برای مؤمنان.»

داستان حضرت ابراهیم علیه السلام با تأکید بر تسلیم بودن او در برابر خدا (۴۲۱-۱۴۱)

در بخش پایانی جزء اول، خداوند متعال به ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند. ابراهیم علیه السلام پیامبری است که مورد قبول همه‌ی ادیان الهی است و او را به عنوان آب‌الآدیان (پدر ادیان) می‌شناسند. مهم‌ترین ویژگی این پیامبر بزرگ این بود که در برابر خواسته‌های الهی تسلیم و فرمانبردار بود. آیه ۱۲۸ قرآن کریم درباره‌ی او و فرزندش اسماعیل علیه السلام می‌فرماید:

وقتی که ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام پایه‌های خانه‌ی کعبه را بالا می‌بردند به خداوند عرضه داشتند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ: پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور.»

حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که در بستر مرگ بود به فرزندانش وصیت کرد که در برابر خداوند تسلیم باشند که هیچ مقامی بالاتر از مقام تسلیم در برابر خداوند متعال نیست:

«وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا

۱. رک به الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی رحمته الله، ج ۱، ص: ۴۲: يَا مُحَمَّدُ مَنْ يَأْتِيكَ بِهَذِهِ الْأَخْبَارِ عَنِ اللَّهِ؟ قَالَ ص جِبْرِيلُ قَالَ لَوْ كَانَ غَيْرُهُ يَأْتِيكَ بِهَا لَأَمْنْتُ بِكَ وَلَكِنْ جِبْرِيلُ عَدُوْنَا مِنْ بَيْنِ الْمَلَائِكَةِ فَلَوْ كَانَ مِيكَائِيلُ أَوْ غَيْرُهُ سَوَى جِبْرِيلُ يَأْتِيكَ لَأَمْنْتُ بِكَ ...

وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ<sup>۱</sup> و ابراهیم و [نیز] یعقوب [در واپسین لحظات عمر،] فرزندان خود را به این آیین، سفارش کردند [و هر کدام به فرزندان خویش گفتند:] فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما، جز به آیین اسلام (تسلیم در برابر فرمان خدا) از دنیا نروید!»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِغْلَمُوا أَنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّسْلِيمَ هُوَ الْإِسْلَامُ؛ بدانید که اسلام همان تسلیم است و تسلیم همان اسلام.»<sup>۲</sup>

---

۱. البقره: ۱۳۲.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۱۱.